

ماجرای میانجی‌گری دوباره مسقط چیست؟

آمریکا شروط عجیبش را از زبان عمان گفت



علی مزروعی

خبرنگار گروه سیاست

سابقهٔ میانجی‌گری عمان در مذاکرات غیر مستقیم ایران و آمریکا باعث می‌شود تسا هرگونه تماس بین مقامات ایران و عمان قبل از اینکه از درجهٔ تعاملات دوجانبهٔ تحلیل‌شده به گمانه‌زنی‌ها در مورد روند مذاکرات غیر مستقیم با آمریکا گره بخورد. سفر اخیر مجید تخت‌روانچی، معاون سیاسی وزیر امور خارجه به عمان نیز از این قاعده مستثنی نیست. تخت‌روانچی در گزارشی که در شبکهٔ اجتماعی ایکس منتشرش کرد این سفر را «کوتاه» اما «موفق» توصیف کرد. وزیر خارجه عمان نیز طی اظهاراتی از دیدار با مقام ایرانی ابراز خوشحالی کرد و گفت که طرفین در باره روابط دو جانبه و راه‌های تقویت آن گفت‌وگو کردند. همچنین دیدگاه‌های خود را در باره تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی تبادل کردند. به‌درالبومعدنی تأکید کرد که هر دو طرف بر اهمیت حل اختلاف‌ها از طریق گفت‌وگو و راه‌های مسالمت‌آمیز تأکید داشتند. وزیر خارجه عمان که کشورش به‌طور سنتی نقش میانجی را در مذاکرات ایران با طرف آمریکایی بر عهده داشته با به‌کار بردن عبارت «حل اختلافات از طریق گفت‌وگو» می‌خواهد این پیام را بدهد که آمادگی برای شکل دادن میز مذاکراتی جدیدی پس از تحمیل یک جنگ ۱۲ روزه به ایران را دارد. سفر اخیر او به تهران نیز احتمالاً با اهداف ابغای چنین نقشی انجام شده‌بود. ایران همواره بر دیپلماسی به‌عنوان ابزار اصلی حل مسائل اصرار ورزیده است؛ اما طرف آمریکایی پس از آن‌که با انداختن بمب روی میز مذاکرات هرگونه مسیر غیر مستقیم را نیز مسدود کرده‌اند کنون با شروط غیر قابل قبول به دنبال آن است تا ضمن مقصرنمایی ایران در شکست مذاکرات، مکانیسم مصرف شده اسنپ‌ک را بار دیگر احیا کرده و در جهت تداوم شرطی‌سازی فضای اقتصادی ایران به کار گیرد. با وجود چنین رویکردی واضح است‌که بازگشت به مسیرهای تکراری چیزی جز نتایج تکراری در پی نخواهد داشت.

□ □ □

— **ادعای انتقال پیام ترامپ به ایران چرا مطرح شد؟**

انتشار اخبار مربوط به سفر تخت‌روانچی به عمان بلافاصله گمانه‌زنی‌های رسانه‌ای را در پی داشت. یک رسانه منطقه‌ای به نقل از آنچه منابع دیپلماتیک در تهران خوانند ادعا کرد که ایران پیامی از دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا از طریق عمان درباره ازسرگیری مذاکرات هسته‌ای دریافت کرده است. رسانه بغداد الیوم در گزارش خود مدعی شد: «منابع دیپلماتیک در تهران فاش کردند که ایالات متحده از طریق سلطنت



عمان پیامی به ایران در مورد احتمال ازسرگیری مذاکرات هسته‌ای که از ژوئن گذشته متوقف شده بود ارسال کرده است». با وجود این گمانه‌زنی‌ها یک رسانه داخلی به نقل از یک منبع آگاه درباره اخبار ارسال پیام از سوی آمریکا به ایران از طریق عمان نوشت: «چنین خبری صحت ندارد.» منبع آگاه تأکید کرد که هیچ پیامی از این دست دریافت نشده‌و این اخبار فاقد اعتبار هستند. این تکذیب در حالی انجام‌شد که سفر تخت‌روانچی و دیدارهای او با مقامات عمانی زمین‌ساز این گمانه‌زنی‌ها شده‌بود. باتوجه‌به سابقهٔ عمان در میانجی‌گری، چنین ادعاهایی قابل‌بینی پیش‌روند؛ اما تکذیب رسمی نشان می‌دهد که ایران تمایلی به پذیرش روایت‌هایی که بدون اشاره به شروط غیر قابل‌قبول آمریکا از پیشنهاد مذاکره صحبت می‌کنند، ندارد؛ چراکه مذاکره با طرح شروط غیر قابل‌پذیرش وجود خارجی نخواهد داشت و صرفاً برای متهم کردن ایران به ضدیت با مذاکره کارایی دارد.

طرف آمریکایی با چنین خرسازی‌هایی به دنبال این است تا مهره سوخته مذاکره را به‌سب بازی بازرگانه و فضای روانی جامعه را به اثرات هر خبری از مذاکره گره بزند. خروجی چنین رویکردی این استست که با هر گونه توقف در مذاکرات یک شک اقتصادی به کشور تحمیل شده و اهرم تحریم اقتصادی همچنان کارایی داشته‌باشد.

— **تأکید عراقی بر مذاکره از موضع برابر**

وزیر امور خارجه ایران همواره آمادگی ایران برای گفت‌وگوهای صادقانه و بر اساس احترام متقابل تأکید کرده‌است. در همین چهارچوب سیدعباس عراقچی در جدیدترین موضع‌گیری خود گفت: «با وجود آن‌که هر بار صادقانه پیش‌آمدم و راهی گشودیم، ما به آمریکا اعتماد نداریم و نخواهیم داشت، اما حتی بدون اعتماد نیز می‌توان با احتیاط تعامل کرد.» عراقچی اظهار کرد که «ما بارها گفتیم اگر آمریکایی‌ها آمادگی داشته باشند از موضع برابر با رویکرد صادقانه برای توافقی با منفعت متقابل نه یک‌طرفه و بر اساس احترام متقابل مذاکرات جدی و واقعی برای یک‌راه‌حل مرضی‌الطرفین داشته باشند، ما هرگز دیپلماسی را رها نکرده‌ایم. این اظهارات بدون این‌که ادعای دریافت پیام از آمریکا در آن تأیید شده‌باشد یا این هدف مطرح می‌شود که جلوی روایت جعلی آمریکامبنی بر غیر قابل مذاکره بودن ایران را بگیرد. آمریکا با چنین روایت‌سازی‌هایی به دنبال آن است تا اشتباه خود در ورود به نبرد مستقیم با ایران در جنگ ۱۲ روزه اخیر را توجیه کرده و برای آن مشروعیت تراشی کند.

— **شروط غیر قابل قبول آمریکا**

عراقچی همچنین در مصاحبه با الجزیره قطر گفته است که آماده مذاکره برای رفع

بی‌بی‌سی، منوتو و اینترنشنال این روزها چه خطی را دنبال می‌کنند؟

افسرده‌ایم! نمی‌توانیم!

یک‌سری بی‌گناه کشته‌شد، این تقصیر جمهوری اسلامی است.» عباسی در ادامه مردم ایران را هم مقصر جنگ دانست، آن‌هم به این دلیل که در جنگ تماشگر بودند و برخلاف خواسته آن‌ها به خیابان نیامدند. چند وقت بعد کیوان عباسی در اسپیس منوتو رسماً اعلام کرد: «وضعیت ما اضطراری است، شاید باید زودتر می‌رفتم و بعد از سه ماهی که گفته بودیم، می‌رفتم.» و روز گذشته هم یکی از مجری‌های منوتو رسماً اعلام کرد منوتو بعد از ۱۵ سال، عملاً فروپاشیده خواهد شُشد. با وجود خوش‌رقصی‌ها و تلاش‌های این شیه‌رسانه برای جلب حمایت و جذب فاند، منوتو نه توانست مخاطب جذب کند و نه توانست فاند لازم را برای ادامه فعالیتش جور کند. از قضا افسردگی پس از شکست رسانه‌های فارسی‌زبان بازمهم دامن منوتو را گرفت.

— **اینترنشنال درهاووین**

اینترنشنال در جریان جنگ ۱۲ روزه، در خط مقدم اجرای پروژه‌های رسانه‌ای صهیونیست‌ها قرار گرفته بود و تبدیل به تربیون فارسی‌زبان اسرائیل برای اعلام هشدارهای رژیم شده بود. برای مثال این شیه‌رسانه در ماجرای حمله به زندان اوین که برای زدن تیر خلاص به ایران طراحی شده بود، پای کار آمده بود. اما این رسانه هم از این افسردگی دور نمانده است. البته رویکرد ضدایرانی اینترنشنال شبیه‌تندتری از دیگر رسانه‌های فارسی‌زبان دارد. اینترنشنال تنها رسانه‌ای است که حتی در عادی‌ترین شرایط هم تلاش می‌کند جنجالی به راه بیندازد و پل‌هایی به پا کند به امید آنکه جنگ داخلی اوج بگیرد؛ اما حتی اینترنشنال هم بعد از پایان جنگ ۱۲ روزه مسیر نزولی را طی کرد. نیم‌نگاهی به محتواهایی که این شیه‌رسانه منتشر می‌کند، نشان می‌دهد اینترنشنال بعد از پایان جنگ، بیشتر تمرکزش را بر جلب رضایت و پوشش فانددهنده‌ها متمرکز کرده و بر اتفاقاتی که در سنای آمریکا و سرزمین‌های اشغالی می‌گذرد بیش از تحولات در ایران تمرکز کرده است. در روزهای بعد از پایان جنگ، اعلام خبر عملیات پلیس آمریکا در میشیگان برای خنثی کردن یک عملیات تروریستی در آستانه جشن هالووین و پوشش اخبار هدیه دادن رئیس‌جمهور آمریکا به کودکان در جشن هالووین جداییت بیشتری دارد. اینترنشنال در گریز به اتفاقات مربوط به محور مقاومت هم از روش‌های نخ‌نما و طنزگونه برای تخریب حماس استفاده و

نگرانی‌ها در باره برنامه هسته‌ای مان هستیم و از صلح‌آمیز بودن آن اطمینان داریم. او اعلام کرد که ایران تمایلی به مذاکرات مستقیم با واشنگتن ندارد و می‌توانیم از طریق مذاکرات غیر مستقیم به‌توافق برسیم. وزیر خارجه کشور مان اشاره کرد که امکان رسیدن به توافق عادلانه وجود دارد، اما واشنگتن شروط غیر قابل قبولی را مطرح کرده است. مطابق کسب اطلاع «فرهیختگان» یکی از شروط غیر قابل قبول آمریکا شامل تحویل اورانیوم غنی شده ۶۰ درصد ایران به آمریکا و در ازای آن تنها تعلیق ۶ ماهه اسنپ‌ک و نه کنار گذاشتن آن بوده است. شرط دوم نیز کاهش بر پوشک‌های ایران به زیر ۵۰۰ کیلومتر است تا به این ترتیب اسرائیل از تیررس موشک‌های ایرانی مصون بماند. این مطالبه در حالی مطرح می‌شود که آمریکا و اسرائیل با تحمیل جنگ ۱۲ روزه به تهران نشان داده‌اند برای تهاجم به ایران طمع زیادی دارند. آنچه این طمع را خنثی کرده قدرت دفاعی ایران از جمله در حوزه موشکی بوده است. واضح است که تسلیم کردن اهرم‌های قدرت چیزی جز کشتن شدن دینا مبارزه محسوب نمی‌شود. فردای تن دادن به خلع سلاح مورد مطالبه ترامپ و نتانیاهو راباید در وضعیت امروز کشورهایی همچون لیبی که به این خلع سلاح تن داده و فروپاشی خود را نظاره می‌کنند، مشاهده کرد.

— **ترامپ به دنبال به‌دست آوردن غنیمت جنگی از مسیر دیپلماسی**

در حالی که ایران برای دور ششم مذاکرات غیر مستقیم آماده می‌شد آمریکاروی میز مذاکره بمب انداخت و وارد کارزار نظامی علیه ایران شد، پس از شکست سناریوی نظامی کاخ سفید دوباره به‌موضع تحریم عقب‌نشینی کرد و با تنها کارت سیاسی در اختیار خود یعنی اسنپ‌ک تلاش داشت تا ایران را وادار کند که از اهرم‌های قدرت خود دست‌بکشد. تحویل اورانیوم ۶۰ درصد در مقابل تعلیق اسنپ‌ک و بعد مذاکره در مورد برد موشکی و کاهش برد آن به زیر ۵۰۰ کیلومتر موادی است که آمریکا از مسیر نظامی توانست به دست بیاورد و اکنون تلاش دارد از مسیر سیاسی آن را محقق کند. آمریکایی‌ها دو اقدام ضد دیپلماسی را انجام داده‌اند. هم نبرد نظامی به ایران تحمیل شده و هم تک گلوله اسنپ‌ک قدرتش تخلیه شده است. اکنون که جامعه ایران از فشار روانی اسنپ‌ک عبور کرده و قدرت‌های شرقی نیز اعلام کرده‌اند آن را به رسمیت نمی‌شناسند آمریکا تلاش دارد تا به قیمت در اختیار گرفتن اورانیوم غنی شده ایران بار دیگر اسنپ‌ک را به حالت تمهید برگرداند و وضعیت شرطی‌سازی اقتصاد ایران را احیا کند. اظهارات عراقچی در مصاحبه با رسانه قطری به نظر تلاشی برای مهار سناریوی مقصرنمایی و جلوگیری از عقب‌گرد به فضای شرطی‌سازی است. او تأکید کرد که ما هرگز در باره برنامه موشکی خود مذاکره

خبری را با این تیتیر منتشر کرد: «اعضای حماس، آیفون ۱۷ را در غزه، ۱۱ هزار دلار می‌خرند تا ثرویشان را به رخ بکشند.» این نوع پوشش خبر که کیلومترها با کار حرفه‌ای خبری فاصله دارد، با توجه به اوضاع نابسانمان در غزه یا روی پذیر نیست؛ چراکه در موقعیت فعلی رفتارهای حماس و آنچه در غزه انجام می‌دهد، برای همه روشن شده است. واقعیت آن است که اینترنشنال در انتشار این قبیل خبرها، روی کندذهنی مخاطبانش حساب باز کرده است.

اینترنشنال در مواجهه با اتفاقات و رویدادهای داخلی بر مبنای اصل بهره‌برداری سیاسی از هر اتفاق اجتماعی، فرهنگی یا حتی ورزشی حرکت می‌کند. بعد از پایان بازی استقلال – آلمونیموم، کارشناس ورزشی شبکه اینترنشنال، پیروزی استقلال مقابل آلمونیموم را این‌طور تحلیل کرد: «استقلال نتیجه دارد؛ اما فوتبال را آلمونیموم برد... فوتبال را این جوان‌ها بردند که جلوی این استقلال بی‌رحم بازی را نبستند.» پوشش این خبر به‌نوعی است که گویی کارشناس اینترنشنال حتی در بازی استقلال – آلمونیموم هم با دشمن فرضی می‌جنگد. بعد از پایان جنگ و شکست خوردن پروژه براندازی، اینترنشنال هم در فقدان سوژه به طنز پردازی افتاده و ترجیحش آن است برای آنکه چرخ اینترنشنال بچرخد، به حاشیه‌های اتفاقات آمریکا در جشن هالووین و پوشش صحبت‌های نتانیاهو مشغول باشد.

— **بی‌بی‌سی فارسی بر طبل بی‌عاری می‌زند**

در میان شیه‌رسانه‌های فارسی‌زبان، بی‌بی‌سی فارسی سعی می‌کند رُستنی حرفه‌ای‌تر بگیرد و در پوششش مواضع ضدایرانی‌اش چندان رو بازی نکند. بی‌بی‌سی در جریان جنگ ۱۲ روزه برخلاف اینترنشنال که تبدیل به تربیون فارسی‌زبان اسرائیل شده بود، یکی به میخ و یکی به نعل می‌زد و گهگاهی حملات اسرائیل علیه ایران را محکوم می‌کرد تا بتواند بخشی از مخاطبان داخلی‌اش را حفظ کند. بعد از پایان جنگ، بی‌بی‌سی فارسی هم رویکرد عجیبی اتخاذ کرده است. این رسانه نه تنها تمرکز چندان‌ی روی اتفاقات و رویدادهای داخلی ایران ندارد و آن‌ها را پوشش نمی‌دهد، بلکه از کنار اتفاقات هالووین و پوشش اخبار هدیه دادن رئیس‌جمهور آمریکا به کودکان در جشن هالووین جداییت بیشتری دارد. اینترنشنال در گریز به اتفاقات مربوط به محور عمل می‌کند. در میانه شرایطی که جهان درگیر اتفاقات و آزارایی‌ها به‌خصوص در ماجرای سودان قرار دارد، بی‌بی‌سی ترجیح می‌دهد گزارشی خبری در مورد

مردم سالاری دینی به کار برد؟ پاسخ قاطعانه مثبت است. ساختار جمهوری اسلامی، تجلی عملی همان اندیشه‌ای است که نانینی در

نقطه پروراند.

وقتی نانینی بر شرط نظارت فقها تأکید می‌کند، در واقع سدی مقابل انحرافات احتمالی قوه مقننه و مجریه می‌کشد؛ تضمینی برای این است که خروجی صندوق رأی، از مسیر شریعت خارج نشود. وقتی او بر نقش مردم در انتخاب حاکمان و نظارت ملی تأکید دارد، عملاً زیربنای «جمهوریت» نظام ما را فراهم کرده است؛ البته جمهوری‌تی که مبتنی بر «اسلامیت» است.

این همان چیزی است که دشمن از آن هراس دارد. دشمن می‌خواهد «جمهوریت» را از «اسلامیت» جدا کند و نانینی، در صد سال گذشته، با استحکام علمی نشان داده که این دوگانه‌سازی، یک ساختار ساختگی و غربی است. اندیشه او پلی است که نشان می‌دهد مردم سالاری دینی نه یک تناقض، بلکه یک ضرورت فقهی برای عصر غیبت است.

نمی‌کنیم و هیچ فرد عاقلی خلع سلاح خود را نمی‌پذیرد. ما نمی‌توانیم غنی‌سازی اورانیوم را متوقف کنیم و آنچه با جنگ به دست نیامده باسیاست به دست نخواهد آمد. ما تمایلی به مذاکرات مستقیم با واشنگتن نداریم اما می‌توانیم به توافقی برای مذاکرات غیر مستقیم برسیم.

— **پاسخ به ادعاهای آژانس**

عراقچی در ادامه گفت‌وگو تأکید کرد که مواد هسته‌ای همچنان در زیر آوارهای تأسیسات هسته‌ای هستند که بمباران شدند و به مکان دیگری منتقل نشدند. ما متحمل خسارت در سطح ساختمان‌ها و دستگاه‌های هسته‌ای شدید؛ اما فناوری همچنان پابرجاست. این بخش از اظهارات عراقچی را می‌توان پاسخی به اظهارات اخیر رافائل گروسی، دبیرکل آژانس دانست که بار دیگر مطالبه بازرسی از تأسیسات آسیب‌دیده ایران با هدف تعیین تکلیف اورانیوم غنی شده ادعایی را تکرار کرده و گفته بود برای ما مهم است بدانیم مواد هسته‌ای کجا نگهداری می‌شوند، چه مقدار از آن‌ها وجود دارد و چه چیزی ممکن است مفقود شده باشد تا بتوانیم فرایند بازرسی را ادامه دهیم. مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در گفت‌وگو با شبکه العربیه بار دیگر خواستار توافق با ایران برای دسترسی به سایت‌های هسته‌ای آسیب‌دیده شد تا به این ترتیب اطلاعات نظامی غرب برای بررسی نتایج حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران را تکمیل کرده باشد. پاسخ عراقچی نشان‌دهنده موضع ایران در برابر فشارهای آژانس است. ایران بر حفظ فناوری هسته‌ای خود تأکید دارد و به دلیل خسارات وارده به تأسیسات هسته‌ای فضای بازگشت بازرسان آژانس به این تأسیسات افرام نمی‌بیند.

— **نتیجه مسیر عمان را هم دیدیم**

عمان اغلب کانالی برای ارتباطات غیر مستقیم ایران و آمریکا بوده است؛ اما باتوجه به تحمیل یک جنگ ۱۲ روزه آن هم هم‌زمان با مذاکره مسیر عمان نیز از مژمون خود راپس داده و برای ایران کانایی نداشته است. رفتار آموده‌ای دیپلماتیک هر چند برای روابط دوجانبه مثبت باشند. نمی‌توانند شرایط اساسی مذاکرات با آمریکا را تغییر دهند. عدم پایبندی به مذاکره و تحمیل جنگ نظامی از یک طرف و طرح شروط غیر قابل قبول بعد از جنگ ۱۲ روزه از سویی دیگر باعث می‌شوند نقش دولت‌های میانجی از جمله عمان دیگر محلی از اعراب نداشته باشد؛ چراکه قبل از تعیین میانجی عزم انگیزه طرف مقابل باید از پای‌بندی شود. ورود آمریکا به مسیر نبرد نظامی و سیاسی در حداکثری‌ترین حالت آن نیز تصویر واضحی از فقدان انگیزه تعامل ارانه می‌دهد.

اینکه «چرا گورخرها، پانداها و برخی حیوانات، سفید و سیاه هستند» منتشر کند. از یک طرف، مهم‌ترین دغدغه‌اش این است که چرا یک افسر پلیس در ایالت میشیگان، با شلوارک سوگند یاد کرده است و از آن طرف، حراج توالث فرهنگی که از طلای ۱۸ عیار ساخته شده، یکی از پست‌های خبری این رسانه بود. به نظر می‌رسد بی‌بی‌سی در مسیر سفیدشویی و فاصله گرفتن از موقعیت جنگی آنقدر تند رفته که حالا حتی از شش‌پایل یک رسانه با شاخص‌هایی که آن‌ها را حرفه‌ای می‌داند فاصله گرفته و به یک مجله سرگرمی تبدیل شده است تا آنجا که حتی از مقابل اتفاقات و رویدادهای خبری مهم جهان، با سکوت عبور می‌کند. بی‌بی‌سی فارسی افسردگی بعد از شکستش را با زدن بر طبل بی‌عاری و پوشش خبرهایی که کوچک‌ترین سویه سیاسی ندارند، مدیریت می‌کند.

— **نان به نرخ خوران بلوا در ایران**

بعد از اتفاقات پاییز ۱۴۰۱ شیه‌رسانه‌های فارسی‌زبان شکست سختی خوردند. این رسانه‌ها که تا مدت‌ها بدون روشن‌وابستگی‌شان به غرب و به‌ظاهر مستقل فعالیت می‌کردند، بعد از پاییز ۱۴۰۱ ارتباطات پشت‌پرده‌شان با صهیونیست‌ها و آمریکایی‌ها را رو کردند و رویکردشان برای مخاطب ایرانی داخل کشور، روشن شد. همین موضوع باعث شد برخی از این رسانه‌ها بخشی از برنامه‌هایشان را تعطیل کنند و با برخی از مجریان بدنام و وابسته به تجزیه‌طلب‌ها، خداحافظی کنند تا سفیدشویی نسبی حاصل شود؛ اما وجه دیگر این بود که به سایه کاهش اعتماد و البته مخاطب، بودجه‌های آن‌ها تا حد زیادی کاهش پیدا کرد و ترامپ هم برای فاند‌های این رسانه‌ها را قطع کرد. با شروع جنگ ۱۲ روزه این رسانه‌ها این بار علناً به عنوان بازوی رسانه‌ای صهیونیست‌ها به میدان آمدند و پیام‌های دشمنان صهیونیستی خطاب به مردم ایران را منتشر کردند. پایان این جنگ که با طراحی پیچیده رسانه‌ای شروع شده بود، ضربه سنگین دیگری به این رسانه‌ها زد و آن‌ها را در خلسه فروبرد تا آنجا که با نگاهی به نحوه پوشش اخبار این شیه‌رسانه‌ها به‌وضوح، شاهدیم که رویکرد آن‌ها پیش و پس از جنگ تغییر محسوس کرده است. برای این رسانه‌ها که حالا دیگر نه شبیه به یک رسانه که شبیه به پروژه‌بگیران صهیونی عمل می‌کنند، کاسبی زمانی سکه می‌شود که پای آشوب و شورش و بلوایی در داخل ایران در میان باشد.

— **وظیفه ما؛ فعال‌سازی میراث فکری**

میراث نانینی، یک اثر تاریخی نیست که در کتابخانه خاک بخورد؛ بلکه نقشه‌راهی است که باید با زبان امروز به نسل جوان منتقل شود. این وظیفه، تنها بر عهده حوزه نیست، بلکه فعالان فرهنگی و رسانه‌ای باید با تولیدات خلاقانه، این چهره واقعی از عالم مبارز را معرفی کنند. ما باید نشان دهیم که چگونه به فقیه جامع‌الشرایط می‌تواند با درک عمیق زمانه، علاوه بر این که از استبداد بر حذر بماند، چهارچوب‌های حکومت دینی را نیز بر اساس اصول فقهی، برای صد سال آینده نیز طراحی کند. نانینی، نشان داد که «سنت» اگر در دستان «اجتهاد فعال» باشد، در برابر «تمدن نوین» عقب‌نشینی نمی‌کند و خود معماری آن را بر عهده می‌گیرد. این رسالت ما در تبیین این میراث گران‌بهاست. همواره باید تلاش کنیم تا با نشان دادن شخصیت‌هایی چون ایشان، الگوی ناب اسلامی را به جهان بشریت معرفی کرده و از تحریف و دستبرد دشمن خائن به میراث اسلامی جلوگیری کنیم و خاری در چشم اندیشه غرب بر این گورهای والای انسانیت باشیم.